

از اکبر پونز تا آزادی های یواشکی!

جنایتکاران دیروز، اصلاح طلبان امروز!

صفحه ۲

آذر ماجدی

عملکرد وزارت بهداشت

در رابطه با جمعیت در جمهوری اسلامی

صفحه ۳

پروین احمد زاده

موقعیت زنان در گتوهای اسلامی اروپا

صفحه ۵

گفتگو با پروین کابلی

تجاوز گروهی به کودک ۱۱ ساله

صفحه ۱۱

شهرلا نوری

حجاب کودکان را ممنوع کنید

حجاب، هر لباسی نیست - کودکان حق انتخاب ندارند

صفحه ۱۱

شهرلا نوری

مبارزه با فحشاء

از یک دنیای بهتر
نوشته منصور حکمت

زنان و کودکان کارتن خواب در تهران!

گزارشی از مسئله زنان معتاد و تن فروشی

صفحه ۱۰

آذر ماجدی



از اکبر پونز تا آزادی های یواشکی!

جنایتکاران دیروز، اصلاح طلبان امروز!

آذر ماجدی

پروژه ای حفظ و دفاع از رژیم اسلامی است. جامعه را مونیتر می کنند و هر روز یک ترند برای مقابله با نفرت عمیق و روز افزون مردم از رژیم اسلامی، رادیکالیزه شدن جامعه و نسل جوان رو می کنند. همان کسانی که به روی زنان "بد حجاب" اسید می پاشیدند یا بر پیشانی شان پونز می کوبیدند، پروژه "آزادیهای یواشکی" را علم می کنند. در زمانی که آخوند های فسیل از بی حجابی و شیوع ازدواج سفید و بر باد رفتن اسلام بر منابر عجز و لابه می کنند، اینها بمنظور عقب کشیدن جنبش آزادی زن، جنبش علیه حجاب اسلامی و آپارتاید جنسی از آزادی های یواشکی صحبت می کنند و تمام رسانه های فارسی زبان دولتهای غربی هم در اختیارشان گذاشته می شود. بعد هم یک جایزه به چهره جلوی صحنه شان اعطاء می شود.

این داستان اصلاح طلبان حکومتی است. حفظ رژیم اسلامی همراه با پر کردن جیب هایشان با دفاع از حقوق بشر و جامعه مدنی تنها رسالت شان است. اینها و مدافعینشان را باید افشاء کرد. وقتی رژیم اسلامی را به زیر کشیدیم تمام این جانیان را بجرم جنایت علیه بشریت محاکمه خواهیم کرد و جنایتشان را در تاریخ ثبت خواهیم نمود. جنبش آزادی زن یک ستون مهم و اصلی جنبش سرنگونی است. از اینرو است که این جانوران کلاش اسلامی این چنین معطوف به مساله زن و حجاب اسلامی و آپارتاید جنسی شده اند. هر چه آنها بیشتر می کوشند که این جنبش را به عقب بکشاند، قدرت عظیم این جنبش بیشتر عیان می شود.

از زمان بقدرت رسیدن رژیم اسلامی در خدمت "امام شان" رکاب زدند. اینها بهمره تعدادی دیگر از جمله جلالی پور که یک مورد از جنایاتش صدور حکم اعدام ۵۹ نفر در مهاباد است، حجاریان بنیانگذار وزارت اطلاعات و موسوی نخست وزیر دوره اعدام های دستجمعی صحنه گردان کشتار و سرکوب دهه شصت هستند. این دار و دسته اوباش چند سالی است که به خیل اصلاح طلبان پیوسته اند. دسته اول به غرب آمده اند؛ فیلسوف، فیلمساز، استاد دانشگاه و ژورنالیست شده اند. هر روز یک جایزه از یک نهاد حقوق بشر وابسته به دولتهای غربی دریافت می کنند. هر روز یک پروژه جدید با بودجه های سخاوتمندانه دولت های غربی راه می اندازند و بعنوان کارشناس استخدام این پروژه ها می شوند. "توانا" نام یکی از آخرین پروژه های این جماعت است که پول هنگفتی از وزارت امور خارجه آمریکا دریافت می کند.

چگونه یک مشت آدمکش، شکنجه گر و اسیدپاش کارشناس حقوق بشر و جامعه مدنی شده اند؟ پاسخ این سوال در طنز تلخ این دنیای وارونه نهفته است؛ دنیایی که در آن یک مشت آدمکش و برده دار بر اریکه قدرت نشسته اند و میلیون ها انسان را به بردگی و اسارت مزدی و جنسی کشانده اند. هنرشان انباشتن تصاعدی ثروت به قمیت فقر و فلاکت میلیون ها انسان است؛ هنرشان راه انداختن دار و دسته های تروریست مثل داعش و القاعده و انداختن آنها بجان مردمی است که جسارت می کنند تا برای یک دنیای عادلانه تر قیام کنند. اینها همه از یک جنس اند؛ جنایتکار، دزد و کلاش؛ جانورهایی که باید بجرم جنایت علیه بشریت محاکمه شوند.

نقش این اصلاح طلبان اسلامی در پس هر

سانسور صحبت های من در مورد گذشته اکبر گنجی در بی بی سی و اختصاص ده پانزده دقیقه به قرائت نامه اکبر گنجی در پاسخ به یک دقیقه صحبت من و معذرت خواهی مدیر بی بی سی فارسی از او در تلویزیون بی بی سی یکبار دیگر نقش اصلاح طلبان حکومتی و رسانه های فارسی زبان دولتهای غربی در حفظ و دفاع از رژیم اسلامی را عیان و افشاء کرد. طنز تلخ این رویداد، زمان آن بود. قرائت نامه اکبر گنجی معروف به اکبر پونز که در آن یک جنایتکار اجازه می یابد از خود بدون حضور شاهد و شاکی و هیات ژوری دفاع کند و یک انقلابی کمونیست را متهم به خشونت و تلاش برای ویرانی جامعه متهم کند، چند روز قبل از سی خرداد اتفاق افتاد.

سی خرداد یک روز سیاه و تاریک، خونین و دردناک در تاریخ بشریت است. روز آغاز شکنجه و قتل عام سازمانیافته رژیم اسلامی علیه یک جامعه، علیه یک نسل از انسان هایی که برای یک دنیای بهتر، یک دنیای آزاد و برابر مبارزه می کردند. اکبر گنجی یکی از مهره های مهم این تاریخ سیاه و خونین است. این حقیقت را همه می دانند بجز ظاهرا بی بی سی! اکبر گنجی در همین دوره به اکبر پونز معروف شد. زمانی که روسری های زنان "بد حجاب" را بر پیشانی شان پونز می کرد. زمانی که با افتخار از اسید پاشیدن بصورت زنان "بد حجاب" لاف و گزاف می زد. زمانیکه از مقامات سپاه پاسداران و وزارت اطلاعات بود.

اکبر گنجی تنها نیست. محسن سازگارا، بنیان گذار سپاه پاسداران، ابراهیم نبوی، یار نزدیک لاجوردی جلال اوین و مخملباف چند اسم در لیست مهره های اصلی رژیم اسلامی است. مهره هایی که

برابری زن و مرد در تمام شئون اجتماعی!

یک محیط پر از فقر و بدبختی به دنیا می آید با تمام عقده ها و کمبودها. عدم بهره گیری از امکانات آموزشی و رفاهی و امنیت روانی، انسانی سالم از جهت روانی و جسمی نخواهد بود، از نظر اجتماعی نه تنها توانمند نیست بلکه خود برای اجتماع معطلی خواهد شد که می تواند به دلیل عدم قابلیت‌ها و توانمندیها مورد سواستفاده قرار بگیرد از جمله مورد استفاده باندهای تبهکار، باندهای قاچاق و فساد و فحشا. بنابراین ما به جای یک افزایش جمعیت منطقی که می تواند مولد و مرفه باشد، با یک موج گسترده فقر مالی و فرهنگی روبرو خواهیم شد که خود تهدیدی بزرگ برای امنیت جامعه خواهد بود. ما در حال حاضر نه تنها با گسترش زیر ساختهای آموزشی، ورزشی، فرهنگی برای ایجاد جمعیت کنونی روبرو نیستیم بلکه زیرساختهای گذشته نیز در حال از بین رفتن و نابود شدن می باشند. مهمترین آنها امکانات بهداشتی می باشد که نظام بهداشتی کشور حتی از یک نظام متوسط بیمه حتی برای پرسنلش عاجز می باشد به طوری که این نظام در سال گذشته از حقوق پرسنل زحمتکش این وزارتخانه جهت بیمه کسر نموده اما پولش را به بیمه پرداخت نموده است و پرسنل سال گذشته از هیچ نوع بیمه ای برخوردار نبوده اند. نظام دیگر که در اوج ضعف و استیصال می باشد، نظام آموزشی کشور یا همان آموزش و پرورش است که اکثر بخشهای آن به بخش خصوصی واگذار شده که به شکل غیرانتفاعی اداره میشود و دیگر مدارس دولتی هم مرتب از کمکهای اولیای دانش آموزان بهره می گیرند، که متأسفانه ما در این زمینه هم با توجه به گران بودن آموزش و پرورش در ایران با افزایش موارد بی سواد و پایین بودن سطح آموزش روبرو هستیم و طبق یک طرح غیرانسانی نیز آموزش و پرورش را می خواهند تحت نظارت حوزه علمیه ببرند. از نظر مسکن ما باز هم دچار مشکل هستیم که فضای لازم جهت یک خانواده با توجه به سر سام آور بودن اجاره بها نسبت به درآمد ماهیانه نمی تواند پاسخگوی خانواده ها باشد. رقم بالای بیکاری و عدم امنیت شغلی و نداشتن وقت فراغت کافی در شهرهای بزرگ و عدم حضور خانواده ها در کنار یکدیگر و نداشتن فرصت کافی

صفحه ۴

عملکرد وزارت بهداشت در رابطه با جمعیت در جمهوری اسلامی

پروین احمد زاده

مسائل بارداری و پیشگیری از بارداری و سلامت آگاهی لازم را کسب نماید و دولتها وظیفه دارند این اطلاعات را کامل و به روز با بهترین استانداردهای جهانی به شهروندان ارائه نمایند. بنا براین یک حق بدیهی و قانونی مردم ایران بر طبق این اعلامیه نقض گردیده است.

۲- نداشتن و در دسترس نبودن اطلاعات درست و کامل باعث میگردد مردم به کانالهای ناسالم و سودجو روی آورند. قاچاق دارو جهت سقط جنین و گرم شدن بازار قاچاق داروهای غیرمجاز و غیر بهداشتی در ناصر خسرو را در پی خواهد داشت و چون نیاز مردم می باشد قطعا به آن روی خواهند آورد.

۳- نداشتن آگاهی و عدم دسترسی به وسایل مطمئن پیشگیری از بارداری، بالا رفتن میزان بارداری ناخواسته را به همراه خواهد داشت که عوارض بارداری ناخواسته بالا رفتن سقط های عفونی "افزایش مرگ و میر مادران" افزایش مرگ و میر کودکان و همچنین افزایش ناهنجاریهای کودکان را در پی خواهد داشت. مسائل روحی روانی برای خانواده تهدید دیگری برای جامعه و خانواده می باشد، زیرا بارداری ناخواسته در زن ایجاد تنفر از خود و کودک را ایجاد می نماید، که طیفی از تنفر و ترحم به کودک را در پی خواهد داشت که کودکی مضطرب و پر از استرس و بدون اعتماد به نفس را خواهیم داشت که تا آخر عمر این عوارض را با خود همراه دارد.

۴- بارداری ناخواسته مثل همه مسائل دیگر دامنگیر اقشار ضعیف خواهد شد که از عهده هزینه های سقط جنین بر نمی آیند و به امکانات بخش خصوصی و پرداخت هزینه های سنگین آن به دلیل فقر و مشکلات مالی دسترسی ندارند. کودک در

در طی ۲۱ سالی که شاهد برنامه های وزارت بهداشت به عنوان یک کارشناس مسائل بهداشتی بوده ام، سیاست این وزارتخانه نه در جهت سلامت جامعه بلکه در جهت اجرای فرمانهای خامنه ای و در جهت سیاستهای نظام جمهوری اسلامی بوده است. یک سیستم بهداشتی سالم در تمام دنیا وظیفه سلامت آحاد جامعه را برعهده دارد، اما در این نظام سیاستها متناقض می باشد، به طوری که نمونه آن را در مورد جمعیت می بینیم. در پی کنترل جمعیت که بخشی به دلیل تبلیغ و ارائه خدمات بهداشتی بوده و بخشی مربوط به بالا رفتن آگاهی مردم نسبت به زندگی بهتر و داشتن یک زندگی با کیفیت و مسئولیت آنها در قبال فرزندانشان که می بایستی این فرزندان از امکانات آموزشی، بهداشتی، مسکن و... برخوردار باشند. همچنین بالا رفتن سن ازدواج به دلیل بالا رفتن سطح تحصیلات بوده است. طبق دستور خامنه ای که بر اساس آمارها و تحلیل وزارت اطلاعات صادر شده، گفته شده جمعیت شیعه کم شده است و این یک تهدید برای نظام اسلامی می باشد، لذا به وزارت بهداشت سیاست عدم کنترل جمعیت و خودداری از تبلیغ و ترویج روشهای پیشگیری از بارداری ابلاغ شده است. به خصوص عدم هرگونه تبلیغ و دادن آگاهی به زوجهای جوانی که به کلاسهای مشاوره جهت ازدواج مراجعه میکنند. حال به عنوان یک کارشناس مسائل بهداشتی مصیبتهای این سیاست ارتجاعی و غیر انسانی را بررسی میکنیم:

۱- اولین بخش این دستورالعمل توهین به شعور انسانهاست. آحاد مردم ایران به عنوان انسان آزاد از حق انتخاب و داشتن آگاهی و اطلاعات درست محروم شده اند. طبق اعلامیه سازمان جهانی بهداشت WHO هر انسانی حق دارد در رابطه با

مزد برابر در ازای کار مشابه!

عملکرد وزارت بهداشت در رابطه با جمعیت در جمهوری اسلامی ...

جهت ارتباط بین فرزند و اولیا باز هم کودک را محروم از تربیت و توجه کافی والدین می نماید. بنابراین با توجه به این مسایل و عدم وجود زیر ساختهای آموزشی و بهداشتی و رفاهی نسلی را خواهیم داشت بی سواد و بزهکار و داری اعتیاد به میزان بالا.

حال بیابید هدف خامنه ای و دارودسته اش را از این بالا رفتن جمعیت بررسی کنیم:

خواست ایشان افزایش جمعیت ناآگاه ضعیف و فقیر است که به دلیل فقر مالی به صف بسیجیان بپیوندند. خامنه ای دچار این توهم شده است که جمهوری اسلامی مادام العمر می باشد و این روند سرکوب را می تواند بارضایت خاطر ادامه دهد، بنابراین نیاز به یک جمعیت جهت این سرکوب دارد. او نیاز به افزایش جمعیت شیعه طالبانی، نیرویی جهت حزب الله لبنان، افزایش لباس شخصی ها و بسیجیانی که بر علیه مردم باشند، دارد. او در پی افزایش جمعیت شعبان بی مخها و الله کرمهاست. سیاستهای وی ضد جامعه و ضد تمدن و پیشرفت و علم امروز است.

اما این ها توهمی است که او دچارش شده است، مردم زیر بار این گزافه گویی ها نخواهند رفت و درک می کنند با این روند بیکاری فرزند آوری نه تنها مشکلاتشان را حل نمی کند بلکه مشکلاتشان را زیاد هم خواهد نمود. آنها دیگر مردم ۳۵ سال پیش نیستند که فریب بخورند، آنها درک می کنند که انسان هستند مثل مردم همه دنیا و نیاز به آموزش، مسکن، کار، امنیت شغلی و آزادی دارند، آنها نیازهای زندگیشان را بهتر از هرکس می دانند و می فهمند و منتظر کسانی نمی نشینند که برای بقای خودشان فرزندانشان را گوشت دم توپ کنند.

از طرف دیگر پرسنل شریف و زحمتکش وزارت بهداشت در رده های اجرایی آگاه تر از آنند که بخواهند این تبلیغات را به خورد مردم بدهند. سیاستهای متناقض بهداشتی جمهوری اسلامی، مردم را مانند دیگر زمینه ها نسبت به این رژیم قرون وسطایی بی اعتماد نموده است و به راحتی تبلیغات آنها را نخواهند پذیرفت. من هر روز خود از نزدیک با این مراجعین در ارتباط نزدیک میباشم، مردم ایران باشعورتر از آنند که این تبلیغات بر آنها اثر بگذارد و شاید عده کمی به این تبلیغات گوش فرا دهند اما اکثریت راه خود و صلاح زندگیشان را می دانند.

۳ خرداد ۱۳۹۴

ریشه زن کشی در دنیای امروز

این قرون وسطی نیست. این عصر سرمایه داری است. هرچه با بازار و سود تناقض داشته باشد، دیر یا زود کنار زده میشود. بسیاری از جان سخت ترین افکار و تعصبات و راه و رسمهای کهنه در برابر نیازهای پیش پا افتاده و روزمره تجارت و تولید ور افتاده اند. و لاجرم، اگر زن آزاری و زن ستیزی و تبعیض و خشونت علیه زن هنوز یک واقعیت پابرجای زندگی مردم این عصر است، اگر علیرغم جنبشهای قوی و اجتماعی برای رهایی زن، هنوز ستم جنسی در چهار گوشه جهان حکم میراند، باید حکمتش را همینجا، در همین عصر و در مصالح همین نظام جستجو کرد.

جنایت از سر "جنون"، همیشه ممکن است وجود داشته باشد. اما آن نوع جنونی که قربانیانش، از خیابان و خانه تا مدرسه و کارخانه، عمدتاً زنان هستند، دیگر جنون نیست، بلکه بیان جنون آمیز گوشه ای از عقل حاکم بر جامعه است.

از مطلب: زن در زندگی و مرگ،

منصور حکمت

تقابل با اسلام سیاسی یک جبهه مهم جنبش آزادی زن!



موقعیت زنان در گتوهای اسلامی اروپا

گفتگو با پروین کابلی

به نقل از نشریه کمونیست هفتگی

کمونیست: شما بعنوان یکی از فعالین حقوق زن در بحث جاری شرکت دارید. پاسخ شما به مسئله مورد بحث چه بوده است و چه واکنشی در میان نیروهای سیاسی و جامعه ایجاد کرده است؟

پروین کابلی: من در این دوره روی دو مسئله جدی انگشت گذاشتم و تلاش کردم از این دو زاویه و رابطه آنها با همدیگر نظراتم را توضیح دهم و به مسئله جواب بدهم. مسئله اول برای من سکولاریسم و پرنسیپ های یک کشور سکولار بود. بجز کشور فرانسه ما در اروپا با سکولاریسم نیم بند روبرو هستیم. اما سوئد از جمله کشورهای جهان است که در آن حقوق زن ظاهرا در سطح بالائی برسمیت شناخته شده است. طبق قوانین سوئد زنان حق دارند از یک زندگی مستقل بهره مند شوند. مذهب و قوانین مذهبی حق هیچگونه دخالتی در زندگی مردم ندارند. در سوئد هیچ مرجعی حق ندارد از زنی بپرسد که پدر فرزند شما کیست؟ با چه کسی رابطه دارید؟ علیرغم تلاش سوسیال مسیحی ها مذهب هنوز زیر ضرب سکولاریسم است. البته باید این را هم بگویم که مثلا با رشد تاسیس مدارس خصوصی مذهبی در سه دهه اخیر مواجه هستیم که دلیل این امر مذهبی تر شدن مردم نیست بلکه به تغییر سیاست از جمله در قلمرو آموزش و پرورش مربوط است. کلیسایهای زیادی در سالهای اخیر متروکه شده اند و یا به افراد شخصی فروخته شده است. دلیل آن به اعتراف خود سازمان کلیسای خلت بودن و شرکت نکردن مردم در مراسمهای مذهبی است. وقتی در چنین جامعه ای تعداد مساجد بیشتر میشود و دختران زیر سن قانونی تحت فشار محجبه میشوند و یا دختران تین ایجر در محلات تحت سلطه اسلاميون نمیتوانند با دامن کوتاه خود را نشان بدهند، آنوقت این سوال را باید جواب داد که این یک بام و دو هوا چیست؟ چطور یکی رو به افت میروند و دیگری صعود میکند؟ آنهم در دوره ای که اسلام در همه جا با توحش نمایان میشود. از جمهوری اسلامی جنایتکار تا اسلاف شان در داعش و هزار و یک بدبختی که برای مردم بویژه در خاورمیانه و شمال آفریقا آفریده اند. باید پرسید چطور اینان در جامعه ای بشدت غیر مذهبی جرئت دارند مردم را بخاطر بی حجابی تعقیب کنند؟

کمونیست: اخیرا و مجددا بحثهای قدیمی راجع به حقوق و موقعیت زنان و کودکان در محیطهای اسلامی در سوئد باز شده است. سوال و یا سوالات اصلی مورد بحث کدامند؟

پروین کابلی: یکی از سوالاتی که این دوره مسئله را بار دیگر در مقابل جامعه قرار داده این است که گروههای اسلامی فعال فشار زیادی روی زنان و دختران جوان در محلات مهاجر نشین گذاشته اند و این گروهها تا آنجا پیش رفته اند که عملا زندگی را بر آنها حرام کرده اند. مهاجرینی که در مناطق حاشیه شهرها زندگی میکنند از قشر کم درآمد هستند. اینان قربانیان سیاستها اقتصادی و فرهنگی دولت هستند. بیکاری و نبودن امکانات مناسب و زندگی در گتوها به امکانی برای جذب نیرو و تغذیه عقب مانده ترین عقاید تبدیل گشته است. زنان و دخترانی که در این محلات دنیا می آیند و بزرگ میشوند، از یکسو از حقوق برسمیت شناخته شده در همین جوامع برخوردار نیستند و از سوی دیگر با فشار گروههای "خودی" روبرو میشوند. گروههای اسلامی از این موقعیت برای ساختن جوامع یا کامیونتی مسلمانان برای پیشبرد مقاصد سیاسی - مذهبی خود بهره میجویند. در این محلات حتی دختران جوانی که خود را مسلمان میدانند ولی الزاما محجبه نیستند و انتخاب لباسهایشان به زعم اسلاميون "مناسب" نیست، مورد اذیت و تعقیب و تهدید قرار میگیرند. چند سال پیش آکسیون دامن پوشان بر علیه همین وضعیت توجه زیادی را جلب نمود. با توجه به سیاست ممانعت دولت سوئد با این گروهها و رشد نارضایتی منتج از بیکاری و فشار اقتصادی و رشد راسیسم، گروههای اسلامی متأسفانه رشد کرده اند و فشار بیشتری را اعمال میکنند. سوالی که اکنون در مقابل سیاستمداران و فعالین حقوق زنان قرار گرفته اینست که چگونه باید جلو رشد و قلدری گروههای مذهبی گرفته شود. سوئد از جمله کشورهایی است که بیشترین تعداد از جوانان به نسبت دیگر کشورهای اسکاندیناوی به صفوف داعش پیوسته اند. دیدن این واقعیت و مهمتر بلند شدن صدای اعتراض زنانی که در محلات حاشیه شهرها زندگی میکنند، بالاخره شرایطی را برای زیر سوال بردن فعالیت گروههای اسلامی فراهم آورد.

پروین کابلی: بحث من از این دو زاویه توجه زیادی را به خود جلب نمود. تا کنون بیش از ۲۶۰۰ نفر فقط از سایت روزنامه آفتون بلادت آن را پخش نموده اند. در توئیتر و فیسبوک هم وسیعاً پخش شده است. گستردگی پخش این مقاله را به این خاطر توضیح میدهم که بگویم زاویه بحث هاید مورد توجه بوده است. ولی این توجه طبعاً مخالفین خود را هم داشته است. بیش از ۸۰ نفر برای من مایل فرستاده اند، از کسانی که اصلاً من نمیشناسم. مردی نوشته بود که هنگام جدل مستقیم رادیویی در حال رانندگی بوده و مجبور شده که ماشین را جایی متوقف کند که به بحث‌ها گوش کند. استاد دانشگاهی هم تماس گرفت و گفت چند نفر همکار هستم که در اتاق کار من جمع شده ایم و به بحث تو گوش داده ایم. دوست داریم در پانیز حتماً ملاقات کنیم. سیاستمداران مجبور به واکنش شدند. رهبر حزب ابتکار فمینیستی در مقاله‌ای تحت عنوان "من هم نگرانم کابلی" به من جواب داد. جوابی کاملاً پوپولیستی و از سر منفعت سیاسی و طبعاً دیدگاهی است که دارد. همینطور وزیر سابق برابری از حزب مردم در جواب من گفته که فمینیسم متعلق به همه است و به جایی تعلق ندارد. ایشان کسی بود که چند سال پیش گفته بودند که در سوئد آپارتاید جنسی اعمال میشود و اشاره به رشد گروههای مذهبی داشت. بحث در فوروم‌های مختلف در موافقت و مخالفت با بحث من بسیار بوده است. رادیو سوئد همان روز بحث مستقیمی با من و یکی از رهبران حزب ابتکار فمینیستی داشت که آنهم بحث خوبی بود. همان جا هم روی همان سوالها صحبت کردم. لینک این مصاحبه هم روی سایت رادیو سوئد موجود است.

کمونیست: چرا سازمانهای فمینیستی در سوئد عموماً از درگیر شدن با مباحث مربوط به موقعیت زنان به اصطلاح مهاجر اجتناب میکنند؟ مشکل کجاست و چگونه باید بر این معضل فائق آمد؟

پروین کابلی: سوال خوبی هست. فمینیسم و گرایش‌هایی که خود را امروز با این جریان تداعی میکنند به نظر من امروز نه از یک موضع چپ و انترناسیونالیستی بلکه از موضعی پوپولیستی و فرصت طلبانه و راست به وضعیت زنان نگاه میکند. این گرایش عامل اصلی ستم بر زن را نه در سیستم سرمایه داری بلکه در تقابل با مرد و مردسالاری می بیند. شعار "خشونت مرد علیه زنان" یک شعار اساسی و پایه‌ای است که در تمام بحث‌ها و تزهایشان بوفور مطرح میشود. تزهایشان از سر جنسیت زن و خشونت‌هایی که بر زنان اعمال میشود گرفته میشود نه از سیستمی که خشونت را دائم بازتولید میکند. مثلاً یکی از تلاش‌های اصلی فمینیست‌ها افزایش درصد مدیران عامل شرکتهای بزرگ است. این در حالی است که صدها هزار، بدون اغراق صدها هزار زنی که میخراهند صد در صد کار کنند و بتوانند خود و خانواده‌هایشان را تأمین نمایند مجبور به کار کمتری هستند. اغلب این زنان کارمندان کم درآمد کمون‌ها هستند. هنوز در مقابل کار برابر دستمزد برابر به زنان پرداخت نمیشود. فرسودگی ناشی از کار شاق در کمونها و کارخانه‌ها در میان زنان بیداد

موقعیت زنان

در گتوهای اسلامی اروپا

گفتگو با پروین کابلی ...

و چه دوم بحث مورد سوال قرار دادن فعالیت و جنبش فمینیستی در سوئد و اروپا است. اینجا باید این توضیح را برای خوانندگان شما بدهم که فمینیسم در اروپا صرفاً یک گروه و یا سازمان با تعدادی فعالین سرشناس نیست. فمینیسم در اروپا یک کارخانه عریض و طویل از استادان دانشگاه را تشکیل میدهد که مدام مشغول آنالیزهای جنسیتی هستند. رشته‌های مختلفی در تمام دانشگاه‌ها به این مسئله اختصاص داده شده است. وزیران و دولت‌ها خود را فمینیست اعلام میکنند و دولت خود را دولتی فمینیستی می‌نامد. برای همین بحث کردن و باز نمودن سیاستهای این گرایش مهم در جامعه سوئد و اروپا مهم است. من در بحث اشاره کردم که چرا جریانی که خود را طرفدار حقوق زنان می‌داند برای دفاع از آنها محجبه میشوند. (کاری که گروهی از فمینیستها دوسال پیش نمودند) مگر نه اینکه حجاب نشانه تحقیر زنان است. ما که از حاکمیت اسلام سیاسی فرار کرده ایم می‌گوییم که حجاب کودکان را ممنوع کنید، شما می‌گویید "انتخاب" خودشان است! چرا از سکولاریسم و قوانین برابر برای دفاع از زنان استفاده نمیکنید؟ آیا به این دلیل نیست که شما طرفدار نسبییت فرهنگی هستید؟ آیا عجیب نیست جوانانی که در این جامعه به دنیا آمده‌اند، در مهد کودک سوئد پرورده شده‌اند، در مدرسه سوئد با قوانین زندگی و علم آشنا شده‌اند به داعش می‌پیوندند؟

مگر نه اینکه مذهب یک امر خصوصی است؟ پس چگونه شما میتوانی اینقدر دست در دست اسلاميون راه بروید و زنان و دختران را در محلات حاشیه‌ای شهر به حال خود بگذارید؟ در جدل رادیویی که با یکی از سردمداران ابتکار فمینیستی سوئد داشتم؛ گفتم چرا شما وقتی فروشگاههای لباس برای کودکان دختر بیکینی عرضه میکنند بشدت اعتراض میکنید؟ اعتراضی که به نظر من به حق است. ولی چرا به حجاب کودکان اعتراض نمیکنید؟ چرا مدارس مذهبی رشد میکنند؟ چرا به ختنه کودکان معترض نیستی؟ اینها پیش شرطهای دفاع از حقوق کودک و یک جامعه سکولار است. اینها بطور مختصر نکات یادداشت من بود که در یکی از روزنامه‌های اصلی سوئد منتشر شد و تاکنون با استقبال زیادی مواجه شده و مباحث مختلفی را دامن زده است.

کمونیست: این بحث‌ها چه واکنشی در میان نیروهای سیاسی و جامعه ایجاد کرده است؟

مجددا شروع شده و فعالین ما در آن شرکت دارند، بار دیگر نکات اساسی جدلهای قدیمی در شرایطی جدید طرح شده اند. ما نماینده همان پرچم برابری طلب و بدون تخفیف در دفاع از حقوق زنان و کودکان در جوامع اسلام زده حاشیه شهرهای اروپا هستیم. این بحثها باید بطرق مختلف ادامه یابد و حول آن نیرو جابجا شود. ما باید فشارمان را روی جریانهای بگذاریم که از هر سو یا وضع موجود را توجیه میکنند و یا از پاسخ به یک معضل واقعی اجتماعی فرار میکنند. امروز اسلام سیاسی نیروئی است که همه جا بقول منصور حکمت سهم خود را از قدرت میخورد. ما هم باید روشنتر از هر وقتی بگویم که کجا ایستاده ایم و از برابری کامل و بدون و قید شرط و تغییر قوانین در این راستا دفاع کنیم. مذهب امری خصوصی است و باید به خانه مذهبیه برگردد. اما حتی در خانه هم اجازه مثله کردن کودکان دختر و پسر باید ممنوع شود. کودکان نباید به وسیله معامله سیاسی و مذهبی هیچ گروه و حزب و دولتی تبدیل شوند. ما باید خطر اسلامیزه شدن را گوشزد کنیم و اجازه ندهیم که مذهب بیش از این قربانیان خود را از میان جوانترین ها انتخاب کند. ما باید راسیسم دولتی و غیر دولتی را مورد تهاجم قرار دهیم و از موضع برابری طلبی بار دیگر پرچم برابری را با قدرت بلند کنیم.

فراخوان ما به فعالین جنبش برابری زن و مرد و بویژه نسل جوان در سوئد اینست که فعالانه در این بحثها شرکت کنند و جنبشی اجتماعی و قدرتمند را علیه اسلام سیاسی و علیه تبعیض و نابرابری و برای برابری سازمان دهیم.

موقعیت زنان

در گتوهای اسلامی اروپا

گفتگو با پروین کابلی ...

میکند. زنان مهاجر در موقعیت بدتری قرار دارند. همه مسائلی که در بالا برشمردم به اضافه تلاش گروههای مذهبی و ناسیونالیزم خودی شرایط نامناسبی را برای زیستن فراهم نموده است. راسیسم چه از طرف جامعه سوئد و چه در میان گروههای "اقلیت" به فاکتوری بسیار مهم در زندگی آنها تبدیل گشته است. راسیسم دولتی از طریق لاس زدن با گروههای مذهبی و انتخاب آنها به عنوان "نمایندگان و کاربدستان مسلمانان مقیم سوئد" که در واقع امتیاز دادن به جریانهای اسلامی است، دیگر گندش درآمده است. دختران مهاجر از خانواده های مسلمان تحت فشار عقب ماندگی و مردسالاری خانواده و مسجد محل و کافه محل و انجمن همشهری هایشان هستند. همه اینها می توانست موضوع فعالیت مهمی برای آکتیویستهای چپ و زنان باشد.

ما فعالین کمونیست کارگری طی سالهای طولانی پیشرو و پرچمدار این مباحث در سوئد و کشورهای اروپا بودیم. بحث ما در شرایط امروز بیشتر گوش شنوا دارد. اکنون با این بحثی که

ممنوعیت تبعیض بر حسب جنسیت

تبعیض علیه زنان یک مشخصه مهم دنیای امروز است. در بخش اعظم کشورهای جهان، زن رسماً و قانوناً از همان حقوق و آزادی های محدود و محقری هم که مردان از آن برخوردارند محروم است. در کشورهای از نظر اقتصادی عقب افتاده تر و در جوامعی که نفوذ مذهب و سنت های کهنه بر نظام سیاسی و اداری و فرهنگی جامعه عمیق تر است، ستمکشی زن و بیحقوقی و فرودستی او در آشکارترین و زمخت ترین اشکال خودنمایی میکند. در کشورهای پیشرفته تر و مدرن تر، و حتی در جوامعی که به لطف جنبش های مدافع حقوق زنان و تعرضات سوسیالیستی کارگری تبعیض جنسی علی الظاهر از بخش اعظم قوانین حذف شده است، زن همچنان در متن مکانیسم اقتصاد سرمایه داری و سنت ها و باورهای مردسالارانه جاری در جامعه، عملاً از جهات بسیار مورد تبعیض و ستم قرار دارد.

نفس ستمکشی و فرودستی زن اختراع سرمایه داری نیست. اما سرمایه داری این میراث نفرت انگیز تاریخ پیشین را تکامل بخشیده و به یک رکن مناسبات اقتصادی و اجتماعی معاصر بدل کرده است. ریشه نابرابری و بی حقوقی امروز زن، نه در افکار کهنه و میراث فکری و فرهنگی نظام ها و جوامع منقرض شده و پیامبران و مذاهب عصر جاهلیت، بلکه در جامعه سرمایه داری صنعتی و مدرن امروز نهفته است. نظامی که به تقسیم جنسی انسان ها در قلمرو تولید به عنوان یک عامل مهم اقتصادی و سیاسی در تضمین سودآوری سرمایه مینگرد. ایجاد انعطاف پذیری نیروی کار در اشتغال و اخراج، ایجاد شکاف و رقابت و کشمکش درونی در اردوی مردم کارگر، تضمین وجود بخش های محروم تر در خود طبقه کارگر که پانین نگاهداشتن سطح زندگی کل طبقه را مقنور میسازد و بالاخره مخدوش کردن خودآگاهی انسانی و طبقاتی بشریت کارگر و دوام بخشیدن به آراء و افکار و تعصبات کهنه و پوسیده و فلج کننده، برکات ستمکشی زن برای سرمایه داری مدرن معاصر و از ارکان انباشت سرمایه در دنیای امروز است. اعم از اینکه سرمایه داری ذاتاً و بطور کلی با برابری زن خوانایی داشته باشد یا خیر، سرمایه داری انتهای قرن بیستم بطور مشخص خود را بر این نابرابری بنا کرده است و به سادگی و بدون مقاومت سرسختانه و قهرآمیز از آن عقب نمی نشیند.

اسلام ضد زن است!

حجاب کودکان را ممنوع کنید

حجاب، هر لباسی نیست - کودکان حق انتخاب ندارند

به نقل از نشریه کمونیست هفتگی

شهلا نوری

تجاوز گروهی به کودک ۱۱ ساله

شهلا نوری



هر جا که ستم، فقر، تن فروشی، تجارت انسان، جنگ و مناقشات ملی، قبیله ای، تجاوز و ناامنی سیاسی اجتماعی و فرهنگی بر زندگی مردم تحمیل شود در درجه اول دامن کودکان، جوانان و زنان آن جامعه را می گیرد.

کافی است که به صفحه های سوشیال مدیا مراجعه کنید.

همه جا صحبت از فقر، خودکشی، خودسوزی، تحقیر، آزار، بی حرمتی، قاچاق، قتل و تجاوز به کودکان است.

سوء استفاده جنسی از کودکان توسط افراد خانواده، در مکانهای آموزشی و از کودکان بی خانمان فقط بخشی از توحش حاکم بر زندگی انسان است. این گونه از توحش زمانی به اوج خود می رسد که کودکان و نوجوانان در مناطق جنگ زده نه تنها از طرف مردان "خودی" بلکه از طرف نیروهای موسوم به "حافظ صلح" نیز مورد تجاوز قرار می گیرند.

فارغ از تجارب آنی عمل تجاوز و تجربیات تلخ و وحشناکی که قربانیان تجاوز تا آخر عمر با خود حمل می کنند، ابتلا به انواع بیماریهای جنسی هر دو طرف تبعات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی عظیمی را بوجود می آورد. بنظر می رسد که تنوری های مختلف روانشناسی، جامعه شناسی و پزشکی گویای وضعیت اسف بار زندگی کودکان جهان معاصر نیست!

با اینکه تجاوز به کودک پدیده ای جدید و مختص به سرمایه داری نیست اما مناسبات موجود در جامعه سرمایه داری هر روزه امکانات جدیدی جهت باز تولید ستم و تجاوز به کودکان را فراهم می کند.

در یک جامعه انسانی و آزاد کودکان بر هر منفعت ملی، مذهبی، سیاسی و ایدئولوژیک مقدم اند.

بحث گودرون شمین و تلاش او برای جواب به نوشته پروین کابلی و نقد او از زاویه برخورد حزب فمینیست به "فاندامنتالیسم در حوزه اطراف شهر" را خواندم. گودرون شمین در بخشی از جوابیه خود به پروین کابلی می نویسد: "همه باید به حقوق خود آشنایی داشته باشند و مکانی برای مراجعه در صورت تعدی به آن" وجود داشته باشد اما خواست ممنوعیت حجاب از نظر ما راه درستی نیست. ما مدافع آزادی استفاده یا عدم استفاده از حجاب، بدون ایجاد تنفر و خشونت هستیم."

من هم مدافع آزادی انتخاب نوع پوشش هستم اما نقد من به دیدگاه گودرون شمین در مورد حجاب بعنوان تلقی ایشان از حجاب بعنوان نوعی از پوشش است. از نظر من حجاب یک سمبل اسلامی است. که افراد بزرگ سال حق دارند از آن بدون اینکه مورد خشونت یا تنفر قرار بگیرند استفاده کنند یا استفاده نکنند. اما وقتی که در مورد حجاب کودکان صحبت می کنیم اجازه نداریم خود را پشت این نظریه پنهان کنیم. پنهان شدن پشت بحث آزادی پوشش فرار کردن سیاستمداران از بحث ممنوعیت حجاب کودک و بدست آوردن دل مسلمانان است. کودکان در مقابل فشار والدین و عقاید مذهبی آنها حق دفاع از خود را ندارند. نظریه مبتنی بر تفکر نسبیست فرهنگی نه تنها موجبات خسارات جدیدی به کودکان را فراهم می کند بلکه ابزاری است برای جدا سازی. چه کسی از حقوق این کودکان در مقابل حق تملک والدین بر کودک دفاع خواهد کرد؟ بارها شاهد بوده ایم که باج دادن به صاحبان دین و اعطای "چهره انسانی" به آن هیچ گونه کمکی به پیشگیری از خشونت نکرده است. ما موظف به مقابله با ارتجاع مذهبی و ناقضان حقوق کودک هستیم. ممنوعیت حجاب کودکان پایه ای ترین خواست یک فمینیست است که تصمیم ندارد به ساز مذهب برقصد!

شهلا نوری: مسئول سازمان آزادی زن - سوئد و خانه مدوسا - گوتنبرگ

متن بالا ترجمه مطلبی است که در نشریه خبری آفتون بلادت به چاپ رسیده. اصل مطلب و دسترسی به مطالب قبلی مربوط به این بحث در لینک زیر موجود است.

<http://www.aftonbladet.se/.../jamst.../article20976930.ab...>

- خیلی از این زن‌ها ایدز، هیپاتیت و هرپس تناسلی دارند و هرچند وقت یک بار هم بچه‌دار می‌شوند. این بچه‌ها بدون هیچ مراقبت بهداشتی به دنیا می‌آیند و اغلب در همان بدو تولد به فروش می‌رسند یا با بستن سیم‌های فلزی به دست و پایشان معلول می‌شوند تا محملی باشند برای جابه‌جایی مواد و تکدی‌گری.



- بعضی از این زن‌ها به کمک NGOها اعتیادشان را ترک می‌کنند ولی راهی برای امرار معاش ندارند. آن‌ها بعد از مدتی یا دوباره برمی‌گردند به شغل سابق‌شان یعنی تن‌فروشی یا طعمه‌ی باندهای قاچاق انسان به ترکیه و دوی می‌شوند.

- مقامات مسئول درباره این قشر از جامعه می‌گویند: «کاری برایشان نمی‌شود کرد، بگذارید به حال خودشان» برخی دیگر هم معتقدند: «این‌ها را باید ریخت توی دریا».

- خیرین که بیشتر تمایل دارند مدرسه بسازند یا به سفارش شریعت از ایتم حمایت کنند این زن‌ها و بچه‌هایشان را اصلاً لایق زندگی نمی‌دانند چه رسد به کمک. بعضی‌هایشان که کمی سخاوتمندترند و برای بازدید به خیریه‌ها و مراکز نگهداری از این زنان می‌آیند، پیشنهاد صیغه می‌دهند.

- در مجموع این که هیچ‌کس در قبال این افراد مسئولیتی نمی‌پذیرد. تعدادشان هم به هیچ وجه کم نیست. آمار می‌گوید از پارسال تا امسال به تعداد معتادان کارتن‌خواب تهرانی ۳ هزار نفر اضافه شده، یعنی از ۱۲ هزار نفر به ۱۵ هزار نفر رسیده‌اند که نرخ رشد کارتن‌خوابی زنان هم قابل توجه است.

این نوشته را شادی امینی در صفحه فیس بوک خود گذاشته بود و در زیر آن نوشته شده بود از صفحه Sara Nk.

با تشکر از نویسنده این گزارش تکان دهنده. آزادی زن

مبارزه با فحشاء

از یک دنیای بهتر نوشته منصور حکمت

- مبارزه فعال با فحشاء از طریق از میان بردن زمینه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن و مقابله قاطع با شبکه های سازماندهی فحشاء، دلالان، واسطگان و باج خورها.
- ممنوعیت اکید هر نوع سازماندهی فحشاء، دلالی، واسطگی و بهره کشی از افرادی که مبادرت به تن فروشی میکنند.
- غیر جنایی کردن زندگی و کار افرادی که دست به تن فروشی میزنند. کمک به بازیابی حرمت اجتماعی و احترام به نفس آنها و کوتاه کردن دست شبکه ها و باندهای جنایتکار از زندگی آنها از طریق:
- رفع ممنوعیت فروش سکس بعنوان یک شغل فردی و حمایت قانون و نهادهای انتظامی از این افراد در مقابل شبکه ها و باندهای گانگستری، باج خورها و اوباش.
- صدور جواز کسب برای افرادی که بعنوان یک شغل فردی مبادرت به تن فروشی میکنند، مصون داشتن شخصیت و حیثیت آنها بعنوان شهروندان محترم جامعه و کمک به سازمانیابی آنها در سازمان صنفی خویش.
- ارائه رایگان خدمات پزشکی ویژه پیشگیرانه و درمانی برای مصون داشتن این افراد از بیماری ها و صدمات ناشی از مبادرت به این حرفه.
- کار آگاهگرانه، ترغیب و مساعدت های عملی نهادهای مسئول دولتی به افراد تن فروش در کناره گیری از این حرفه، کسب مهارت و آموزش لازم برای اشتغال در بخش های دیگر جامعه.

دست مذهب از سر مردم کوتاه!

زنان و کودکان کارتن خواب در تهران!

آذر ماجدی

داشتم در فیس بوک دنبال مطالب خواندنی می گشتم، چشمم به این عکس و مطلب افتاد. دردناک و تکان دهنده بود. ساده و گزارش وار نوشته شده و همین روش عمق فاجعه را بیشتر عیان می کند. می توان از اینگونه اخبار گذشت، مگر نه اینکه داعش دارد عراق را با خاک یکسان می کند؛ مگر نه اینکه دختران جوان را می دزدند و در بازار مکاره مدرن به حراج می گذارند؛ مگر نه اینکه جنگ داخلی در سوریه مردم را بدبخت و آواره کرده است؛ مگر نه اینکه لیبی دست یک مشت باند دزد و اسلامی افتاده است و مردم بخت برگشته سوار بر قایق ها تلاش می کنند خود را به یک نقطه امن برسانند و صدها صد ها در قعر مدیترانه مدفون می شوند؛ اما، نه. باید گفت و نشان داد که عاملین این فجایع انسانی حکومت هایی هستند که بر دنیا حکم می رانند. دزدانی که حاکم اند و با زندگی میلیون ها نفر از کودکان، زن و مرد و سالمند بازی می کنند. یک مشت دزد، قاچاقچی، جنایتکار، متجاوز و پدوفیل بر دنیا از خاورمیانه تا اروپا، از آفریقا تا آمریکا حکومت می کنند. اکنون بیش از هر زمانی دنیا و زندگی میلیون ها انسان در معرض نابودی نظام سرمایه داری قرار دارد. سرمایه داری با چهره انسانی وجود خارجی ندارد. باید این حکومت را به زیر کشید و دنیا را بر قاعده آن گذاشت. باید یک جامعه انسانی و در شان انسان ساخت. یک دنیای بهتر، دنیایی که آزادی و برابری و رفاه را برای همه تامین می کند. آنگاه در چنین دنیایی دیگر هیچ کودکی در کنار خیابان نمی خوابد، شاهد زجر مادرش نیست، مورد اذیت و آزار قرار نمی گیرد. *

زنان معتاد و تن فروشی

نمی خواهم خاطرتان را مکدر کنم ولی چیزهایی هست که می بینم و نمی توانم بنویسم، یا اگر بنویسم هیچ روزنامه ای چاپش نمی کند، فلذا در گلویم می ماند اگر درباره اش حرف نزنم. از جمله این که:

- در یکی از محله های منطقه ۱۲ تهران، نرخ تن فروشی زنان معتاد ۶ تا ۸ هزار تومان است و نرخ سوءاستفاده ی دستی از دختر بچه های بی شناسنامه ی این زن ها ۲ هزار تومان! البته نرخ حمام عمومی در همین محل ۱۰ هزار تومان است.

- تا همین چند وقت پیش مددکاران اجتماعی می رفتند پتو را از روی معتادان کنار می زدند، بهشان کاندوم رایگان می دادند و التماس می کردند که «تو رو خدا استفاده کنید» ولی حالا به خاطر سیاست های افزایش جمعیت و کمیاب و گران شدن کاندوم، دیگر این امکان هم وجود ندارد.

- دختر بچه ی ۵ ساله ای که در یک زیرپله با مادرش زندگی می کند هر شب پاهایش را توی شکمش جمع می کند و زل می زند به رابطه جنسی پی در پی مادرش با چندین مرد در یک قدمی اش.

صفحه ۹

آزادی زن

نشریه سازمان آزادی زن

www.azadizan.org

سر دبیر: آذر ماجدی

majedi.azar@gmail.com

هیئت تحریریه:

آذر ماجدی، سیاوش دانشور

تلویزیون آزادی زن

هر یکشنبه ساعت ۱۸/۳۰ بوقت تهران

از شبکه هات برد

مگاهاوتز: ۱۱۶۴۲ سیمبل ریت: ۱۱۱۳۷

KMTV

به سازمان آزادی زن پیوندید!